روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵
۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۱۸ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۳۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



گفت‌وگو با یعقوب آزاده‌دل درباره بازنگری طرح تفصیلی تهران و چالش‌های اجرای TOD

توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی فرصت یا تهدید

۷

در «شرق» امروز می‌خوانید: وقتی گمرک جای دیپلماسی را می‌گیرد: عصر جرم‌انگاری انرژی ارزان • راه دور آب • ترامپ در وضعیت اردک خشمگین: علی ودایع • سؤال از شهردار برای شناسایی مقصران خشکیدگی

گفت‌وگوی «شرق» با رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوای پژوهشکده محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره وضعیت پایتخت

صورت حساب مرگبار آلودگی

محمدحسین موسوی: تهران فقط سه روز پس از فاصله‌گرفتن از بارش‌های سنگین ۱۷ و ۱۸ آبان، بار دیگر در حصار غبار و آلاینده‌های مرگبار قرار گرفت. در شرایطی که شاخص کیفیت هوا تا آستانه ۱۶۷ پیش رفته و آلودگی سالانه جان ۹ هزار شهروند تهرانی را می‌گیرد، واکنش مسئولان به این بحران فرسایشی همچنان به‌نوعی بی‌تفاوتی و اقدامات تکراری گره خورده است؛ از سکوت دولت که به گفته مهدی چمران، رئیس شورای شهر، تا به حال حتی «یک جلسه با محوریت آلودگی هوا» در دولت جدید برگزار نشده است، تا به گفته سخنگوی قوه قضائیه، تشکیل «۳۴۲» پرونده قضائی و در عینی‌ترین حالت، تکرار نسخه‌های کهنه‌ای چون اجرای طرح «زوج و فرد از در منزل»، همه و همه نشان از نبود آن‌چیزی است که «محمدصادق حسنوند»، رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوای پژوهشکده محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت‌وگو با «شرق»، «یک برنامه مؤثر و پایدار» می‌نامد. او معتقد است برای کنترل منابع متحرک، باید رویکردی یکپارچه داشته باشیم؛ رویکردی که خودرو، سوخت و جاده را هم‌زمان دربر گیرد، اما آنچه در واقعیت جریان دارد، نشانی از وجود یک رویکرد یکپارچه ندارد و نتیجه آن، ۲.۷ میلیارد دلار خسارت اقتصادی و ۵۰ هزار کشته سالانه در کل کشور به علت عوارض آلودگی هواست.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

گزارش «شرق» از جنجال درباره سدسازی در ایران و پیش‌زمینه برای حمله به زیرساخت‌های کشور

از سد تا موشک سوژه تازه برای توجیه حمله؟

صفحه ۲



رحلت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی مرجع عالی‌قدر شیعیان

معمار احیای شعائر فاطمی

صفحه ۲ را بخوانید. عکس: احمد ظهرابی، ایسنا

سرمقاله

تحدید بیشتر روزنامه‌نگاری



کامبیز نوروزی
حقوق‌دان

عجیب است. در عصری که جهان به شکلی گریزناپذیر با سرعت نور و ابعادی بالاتر از حد تصور به سمت توسعه ارتباطات حرکت می‌کند، کسانی در این کشور پا سفت کرده‌اند که درهای ارتباطات را هرچه بیشتر ببندند و جامعه را در محاصره ارتباطاتی قرار دهند.

بعد از طرح مقابله با نفوذ بیگانه و طرح نظام‌بخشی به فضای مجازی که هر دو به شکل‌های مختلف ناقض حق آزادی رسانه و آزادی بیان هستند، طرح تازه‌ای به میان آمده به نام «طرح سازمان نظام خبرنگاری» که در جهت تکمیل استیلا بر فعالیت‌های رسانه‌ای و صنف روزنامه‌نگاری است. سابقه این طرح به سال ۱۳۹۳ برمی‌گردد که پیش‌نویس تنظیمی وزارت فرهنگ و ارشاد با مخالفت گسترده و شدید حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران و استادان علوم ارتباطات روبه‌رو شد. نظرات منتقدان شامل نزدیک به ۳۰ هزار کلمه بود که در رسانه‌ها منتشر شد. انتقادها و قدرت استدلال‌های منتقدان چنان بود که وزارت ارشاد آن را متوقف کرد. در سال ۱۳۹۶ این پیش‌نویس بار دیگر در دستور کار وزارت فرهنگ قرار گرفت که باز هم با توجه به مخالفت‌های کارشناسی متوقف ماند. طرح حاضر با تغییر عنوان به «سازمان نظام خبرنگاری»، با تغییراتی مختصر و بی‌اهمیت، تقریبا همان پیش‌نویس ۱۳۹۳ است با تمام ایرادهای جدی و اساسی. عنوان طرح نشان می‌دهد نویسندگان آن از اساس با حرفه روزنامه‌نگاری بیگانه هستند و شناختی از آن ندارند. عنوان طرح «سازمان نظام خبرنگاری» است؛ اما خبرنگاری یکی از رسته‌های روزنامه‌نگاری است. دستورالعمل صدور کارت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری (مصوب وزارت فرهنگ) در ماده یک، روزنامه‌نگار را به‌طور عام تعریف می‌کند. سپس ماده ۲ آن، ۱۴ رسته مختلف روزنامه‌نگاری را برمی‌شمرد که خبرنگاری یکی از آنهاست. کسی که کمترین آشنایی تجربی یا علمی‌ای با این حرفه داشته باشد، هیچ‌گاه عنوان خبرنگار را به جای روزنامه‌نگار به کار نمی‌برد.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

درباره تغییر نام پهنه آبی شمال ایران



مجید صیادنورد
کارشناس روابط بین‌الملل

نام‌گذاری عوارض جغرافیایی صرفا اقدامی زبانی نیست؛ بازتابی از هویت تاریخی، سنت‌های علمی، جغرافیای انسانی و شیوه ارتباط جوامع با پیرامون خویش است. پهنه آبی واقع در شمال ایران، طی قرون متمادی با عناوین گوناگونی یاد شده است؛ با این حال، در سه دهه اخیر و هم‌زمان با تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای، نام «خزر» (که منتسب به یک قوم مهاجم و غیربومی منطقه است) در ادبیات رسمی و رسانه‌ای کشور سیطره یافته؛ امری که تا حدی ناشی از بی‌توجهی به عقبه تاریخی، هویت‌سازی‌های قومی منطقه‌ای و عدم هماهنگی اصطلاح‌شناختی با ادبیات بین‌المللی بوده است. در میان نام‌های تاریخی این پهنه آبی، «کاسپین» و «هیرکانی» از ریشه‌دارترین عناوین باستانی برخوردارند. پرسش این نوشتار نه نفی سابقه ثبت نام‌های گوناگون در متون کهن، بلکه نقد الگوهای نام‌گذاری موجود و اثبات این مدعاست که نام «کاسپین» متضمن بیشترین ارزش تاریخی-هویتی، انطباق با حقوق بین‌الملل و کارآمدی علمی برای کاربست رسمی، دانشگاهی و نقشه‌برداری در ایران است.

پشتوانه تاریخی و قومی نام «کاسپین»

نام کاسپین ریشه در نام قوم باستانی کاسپی (Kaspioi) دارد. دانشنامه ایرانیکا در مدخل تخصصی «کاسپین» به قلم رودیگر اشمیت (Rüdiger Schmitt)، این قوم را مردمی بومی معرفی می‌کند که در کرانه‌های جنوب غربی این دریا می‌زیسته‌اند. دانشمندان جغرافیای باستان، ازجمله هکاتئوس (سده پنجم پیش از میلاد) و هرودوت، این دریا را با صورت «کاسپیا» و «دریای کاسپین» ثبت کرده‌اند و قوم «کاسپی» بر اساس متون هرودوت و استرابون، از اقوام بومی حوزه جنوب و غرب این دریا (گیلان، تالش و مغان) و بخشی از اتحادیه‌های قومی ایران باستان در قلمرو هخامنشیان بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

مدیریت به وقت بحران

گذار از ادبیات «عذرخواهی و گزارش بحران» به «مسئولیت‌پذیری و مدیریت داشته‌ها»



امیرنیک رویان
روزنامه‌نگار

در خانه گربه‌ای داریم از تبار گربه‌های نازپرورده این روزگار؛ ملوس، آرام و چشم‌نواز. دست نوازش بر سرش می‌کشیم و از حضورش دل‌شادیم. اما هرازچندی با چهره‌ای شرمسار و چشمانی غم‌بار به سراغ ما می‌آید و با لحنی عذرخواه اقرار می‌کند: «موش داریم؛ این واقعیتی انکارناپذیر است و من بابت وجودشان پوزش می‌خواهم». هر بار هم که بر شمار موش‌ها افزوده می‌شود، از پیچیدگی فنون شکار و تاریخچه حضور آنها سخن می‌گوید و ما را به تعدیل انتظارات، مدیریت مصرف گندم و یادگیری شیوه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز با موش‌ها دعوت می‌کند. ما این گربه را دوست داریم، اما اگر قرار باشد با موش‌ها بسازیم و در این وانفسای معیشت، هزینه غذای خشک گران‌قیمت جنابش را هم از جیب بپردازیم، اساسا فلسفه حضور او در این خانه چیست؟

تمثیل موش و گربه در نقد قدرت، ابداع امروز نیست، بلکه از روزگار عبید زاکانی در ادبیات ما ریشه دارد و در عصر مدرن نیز با تعبیر مشهور دنگ شیائوپینگ، معمار اصلاحات اقتصادی چین، به معیار سنجش کارآمدی دولت‌ها بدل شده است: مهم نیست گربه سیاه باشد یا سفید؛ مهم این است که موش بگیرد! در تاریخ معاصر سیاست‌ورزی ایران، فرافکنی و حواله‌دادن بحران‌ها به کارنامه گذشتگان همواره سنتی مألوف بوده است؛ گویی با استقرار هر دولت، تقویم مشکلات کشور از نو ورق می‌خورد. دولت چهاردهم اما در کنار یادآوری میراث گذشته، کوشید سبک تازه‌ای را باب کند؛ ادبیات «پذیرش مسئولیت» و عذرخواهی بی‌واسطه از مردم. وقتی سخنگوی دولت در مهرماه ۱۴۰۴، در برابر انتقادها از گرانی اعلام کرد «دولت اتفاقا گردن می‌گیرد» و مسئول حل مسائل است، این تغییر لحن در نگاه نخست نویدبخش بود. اما اکنون که بیش از یک سال از آن مواضع می‌گذرد و گزارش‌های رسمی مرکز آمار از جهش تورم سالانه از ۳۸.۹ درصد به حدود ۷۷ درصد و تورم نقطه به نقطه نزدیک به ۸۹ درصد حکایت دارند، این پرسش جدی پیش‌روی افکار عمومی قرار می‌گیرد که «گردن‌گرفتن» در قاموس حکمرانی دقیقا به چه معناست؟

در زبان فارسی، «گردن‌گرفتن» صرفا به معنای اقرار به وقوع یک رخداد نیست؛ بار سنگین «عهده‌دارشدن» و «تعهد به تغییر» را بر دوش دارد. تردیدی نیست که سایه جنگ، تحریم‌ها و ناترازی‌های مزمن، میدان عمل اقتصاد ایران را تنگ کرده؛ اما هنر مدیریت اساسا برای روزهای فراوانی و آرامش ساخته نشده است. مدیریت، هنر سامان‌دادن به «داشته‌ها» در تنگنای کمبودهاست، نه فهرست‌کردن «نداشته‌ها» برای توجیه وضع موجود. اگر پذیرش مسئولیت، به ترسیم اهداف روشن، اصلاح سیاست‌ها و پاسخ‌گویی در برابر نتایج نینجامد، این واژه اخلاقی ناخواسته به ابزاری رندانه برای خنثی‌کردن مطالبات عمومی و سپری در برابر پاسخ‌گویی بدل می‌شود.

نمونه عینی این تناقض را می‌توان در ماجرای اخیر مدیریت مصرف سوخت و توصیه به شهروندان برای ذخیره‌سازی سهمیه بنزین پیش از سفر دید. پیش از آنکه بار محدودیت‌ها بر دوش مردم گذاشته شود، افکار عمومی حق دارد بپرسد دستگاه اجرائی در حیاط‌خلوت خود چه کرده است؟ وقتی گزارش‌های رسمی از برآورد قاچاق روزانه ۲۵ تا ۳۰ میلیون لیتر فراورده‌های نفتی، کشف شبکه‌های سازمان‌یافته و برداشت‌های غیرمجاز از خطوط انتقال خبر می‌دهند، انتقال فشار ناترازی به باک خودروی شهروندان پرسش‌برانگیز است. این تناقض وقتی تلخ‌تر می‌شود که به سیاست‌های خودرویی بنگریم؛ جایی که انحصار، زیان‌دهی خودروسازان و تخلفات ثبت‌شده در بخشی از بازار مونتاژ، هم‌پای تعرفه‌های سنگین واردات، دسترسی خانوارها به خودروهای نو و کم‌مصرف را ناممکن کرده است.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

پیروزی ایران و شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا



اردوان امیراصلانی

همان‌گونه که نظرسنجی‌ها پیش‌بینی کرده بودند و علی‌رغم سرمایه‌گذاری شخصی درخور توجه دونالد ترامپ در هفته‌های پایانی کارزار انتخاباتی، جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده متحمل شکست سنگینی شدند. صبح روز پنجم نوامبر، در حالی که هنوز نتایج نهایی انتخابات اعلام نشده بود، این واقعیت تقریبا قطعی به نظر می‌رسید که دموکرات‌ها اکثریت کرسی‌های هر دو مجلس سنا و نمایندگان را به دست خواهند آورد و کنترل قوه مجریه را نیز در اکثریت ایالت‌های آمریکا در اختیار خواهند گرفت. تنها یک روز پس از این شکست تاریخی، جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، با انتشار یادداشتی مفصل در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، به تشریح علت این ناکامی پرداخت. از نظر او، دلیل اصلی این شکست، جنگی بود که در اوایل سال ۲۰۲۶ علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد؛ موضوعی که حتی دونالد ترامپ نیز سرانجام، هرچند با اکراه و به‌طور ضمنی، به آن اذعان کرد.

جنگ اما به چه دلیل؟

دونالد ترامپ در سراسر کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۴ برای انتخابات ریاست‌جمهوری و در رقابت با کامالا هریس، نامزد دموکرات‌ها، پیوسته جنگ‌های دوردست و پرهزینه آمریکا را محکوم می‌کرد. از دیدگاه او، این جنگ‌های بی‌پایان ازجمله جنگ‌های افغانستان و عراق، هزینه‌های هنگفتی بر دوش مالیات‌دهندگان آمریکایی گذاشته بودند، بدون آنکه دستاورد درخوری برای ایالات متحده به همراه داشته باشند. ترامپ که در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود هیچ نوع عملیات نظامی خارجی‌ای را آغاز نکرده بود، به رأی‌دهندگان آمریکایی وعده می‌داد در صورت انتخاب مجدد، همین رویکرد را ادامه خواهد داد. او پس از پیروزی در انتخابات نیز پیوسته در پی کسب جایزه صلح نوبل بود و از تمام نفوذ و قدرت خود برای پایان‌دادن به برخی منازعات بین‌المللی استفاده کرد. این تلاش در مواردی مانند ارمنستان با موفقیت همراه شد و در مواردی دیگر ازجمله اوکراین به نتیجه نرسید. در چنین شرایطی، دونالد ترامپ تصمیم به تغییر مسیر و رویارویی مستقیم با جمهوری اسلامی ایران با هدف سرنگونی نظام حاکم گرفت. باید دلیل این موضوع را که پیش از او هیچ رئیس‌جمهور آمریکایی به آن وارد نشده بود، به مورخان آینده واگذار کرد. جنگی که در فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد و اکنون از آن با عنوان «جنگ ۴۰روزه» یاد می‌شود، به شکست دیگری برای آمریکا تبدیل شده است. اکنون، نزدیک به هشت ماه پس از آغاز جنگ، هیچ‌کدام از اهداف نظامی اعلام‌شده آمریکا، ازجمله سرنگونی نظام جمهوری اسلامی یا متوقف‌کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران محقق نشده است. از سوی دیگر، واشینگتن قادر به جلوگیری از حملات تلافی‌جویانه ایران علیه متحدان آمریکا در منطقه خلیج فارس و نیز حملات جنبش یمنی انصارالله، متحد تهران، به عربستان سعودی نیز نبوده است. تاب‌آوری و مقاومت ایران را می‌توان نوعی پیروزی برای این کشور دانست که اکنون بیش از هر زمان دیگری در خاورمیانه از نفوذ و قدرت برخوردار است.

سلاح بازدارنده و قدرتمند ایران: بهای هر بشکه نفت

با وجود مشکلات زیاد ناشی از تحریم‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران در عمل توانایی درخور توجهی برای مقاومت در برابر فشارها از خود نشان داده است. ایران در چارچوب دکترین دفاع نامتقارن خود توانست به‌طور مستقیم قلب اقتصاد و سیاست آمریکا را با استفاده از ابزار قیمت نفت که کارایی کم‌نظیری از خود نشان داد، مورد هدف قرار دهد. ایران از همان روزهای نخست جنگ، یکی از تهدیدهای مکرر خود را عملی کرد و با مسدودکردن تنگه هرمز، مسیر عبور و مرور یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان را که سالانه نزدیک به یک‌چهارم مصرف جهانی نفت از آن عبور می‌کند، مختل کرد. پیامد این اقدام مهم با روند صعودی و مستمر قیمت هر بشکه نفت به‌سرعت آشکار شد. در اوایل ماه نوامبر و هم‌زمان با برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای، قیمت بنزین در جایگاه‌های سوخت ایالات متحده همچنان ۴۰ درصد بالاتر از سطح آن پیش از آغاز جنگ بود. در مقاله‌ای که در ماه اکتبر گذشته در روزنامه واشینگتن‌پست منتشر شد، شماری از مقام‌های ارشد ایرانی که نخواستند نامشان فاش شود، راهبرد تهران را با شفافیت و سادگی، تشدید حملات در منطقه خلیج فارس با هدف جلوگیری از کاهش قیمت نفت و تحمیل شکست سنگین به دونالد ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای توصیف کردند و به نظر می‌رسد این راهبرد با موفقیت همراه شده است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

برگزیده‌ها

از آلودگی تا ساخت‌وساز سهم محله‌های کم‌برخوردار چقدر است؟

تخلف هم در تهران نابرابر است

۷

پشت درخواست اعلام نیاز دی و بهمن معادن چه می‌گذرد؛ تدارک زمستان یا بازتوزیع منابع محدود؟

استعلام سوخت در سایه کاهش سهمیه

۳

اکونومیست تحولات تعیین‌کننده سال ۲۰۲۷ را در سیاست، اقتصاد و فناوری بررسی کرد

۱۰ گره جهان ۲۰۲۷

۴

سهمیه‌بندی نان در دو استان کشور در شرایطی انجام شده که این سهمیه روزانه کمتر از سرانه مصرف است

نان در تنور تورم

۳

نگاه

آیا دستکاری مؤثر آب‌وهوا ممکن است؟

یادداشتی از مهدی زارع

۸

یادداشت

لندن و دشواری حفظ توازن در جنگ اوکراین



مهراد کچویی

جنگ اوکراین برای بریتانیا فقط مسئله حمایت از یک متحد اروپایی نیست، بلکه آزمونی برای جایگاه لندن در نظم امنیتی غرب و نسبت آن با ایالات متحده است. دولت اندی برنهام از یک سو بر تداوم حمایت از کی‌یف تأکید می‌کند و از سوی دیگر می‌کوشد در تلاطم سیاسی واشینگتن، نقش اروپا را در تصمیم‌گیری‌های امنیتی پررنگ‌تر کند. مسئله اصلی لندن، انتخاب میان آمریکا و اروپا نیست، بلکه حفظ رابطه ویژه با واشینگتن، بدون واگذاری کامل ابتکار عمل امنیتی به کاخ سفید است. پس از گذشت بیش از چهار سال از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، موضع بریتانیا همچنان بر حمایت از کی‌یف و مخالفت با توافقی استوار است که به بهای تضعیف حاکمیت و امنیت این کشور تمام شود. لندن تأکید کرده است هر توافق صلحی باید تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت بشناسد و با تضمین‌های امنیتی معتبر همراه باشد. دولت برنهام نیز ادامه تحریم‌های روسیه را تا زمانی که مسکو به جنگ ادامه می‌دهد، ضروری می‌داند.

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی
جناب آقای علی آقابزرگ
درگذشت برادرگرامی‌تان
مرحوم حمید آقابزرگ را به شما
و خانواده محترم تسلیت عرض نموده،
آرزوی صبر و رحمت برای شما
و مغفرت الهی برای آن عزیز سفرکرده
از ایزد منان داریم.
ما را در غم خود شریک بدانید.
از طرف خانواده جلالی